

بررسی تأثیر آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر کیفیت زندگی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان دانشور نیشابور

محمد حسین رنگانی^۱

احمد اکبری^۲

عبدالله داودی پور^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۲۱

چکیده

هدف پژوهش نیمه تجربی حاضر بررسی تأثیر آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر کیفیت زندگی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان دانشور نیشابور است. جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان مرکز آموزش عالی دانشور نیشابور در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ به تعداد ۳۱۳ دانشجو می‌باشد. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۲ کلاس به تعداد ۶۰ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب و به شکل تصادفی به دو گروه ۳۰ نفری آزمایش و کنترل تقسیم شده و در ابتدای پژوهش به پرسشنامه ۲۶ سؤالی کیفیت بهداشت جهانی پاسخ دادند. جهت تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد: آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر کیفیت زندگی دانشجو معلمان (مؤلفه سلامت جسم) تأثیر معنی‌داری دارد. آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر کیفیت زندگی دانشجو معلمان (مؤلفه سلامت روان) تأثیر معنی‌داری دارد. آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر کیفیت زندگی دانشجو معلمان (مؤلفه روابط اجتماعی) تأثیر معنی‌داری ندارد. آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر کیفیت زندگی دانشجو معلمان (مؤلفه سلامت محیط) تأثیر معنی‌داری ندارد. همچنین یافته‌ها نشان داد: آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی می‌تواند بر بهبود کیفیت زندگی دانشجو معلمان تأثیر معنی‌داری بگذارد.

کلیدواژه‌ها: آموزش تفکر فلسفی، داستان‌های دینی، کیفیت زندگی، دانشگاه فرهنگیان، دانشجو معلمان.

^۱ کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، مرکز دانشور، نیشابور، ایران.

^۲ استادیار گروه علوم تربیتی، واحد بردسکن، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسکن، ایران. akbari.180@gmail.com

^۳ کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید بهشتی، مشهد، ایران (نویسنده مسؤل) abd_davood@yahoo.com

مقدمه

آنچه امروزه مورد توجه متخصصان یادگیری بخصوص در زمینه مفاهیم فلسفی و پرسش‌های اساسی می‌باشد آن است که همه انسان‌ها دارای خصوصیت فطری اندیشه و تفکرند. اندیشه و تفکر نیاز به آموزش ندارد بلکه بیش از هر چیز نیازمند کسب مهارت است. لذا باید مهارت‌های تفکر را در افراد پرورش داد و این پرورش می‌تواند از کودکی آغاز گردد. اما سؤال اساسی آن بود که آموزش این مباحث چگونه برای کودکان امکان‌پذیر است. آن‌ها معتقدند که باید توانایی کودکان را برای استدلال افزایش دهند و برای رسیدن به این هدف تأکید فراوانی بر تقویت عنصر اندیشه و تفکر داشته‌اند. ایشان معتقدند، همانطور که به کودکان خویش خواندن و نوشتن را تحت عنوان ادبیات می‌آموزیم، باید استدلال و داوری صحیح را نیز بخصوص در حوزه سؤالات اساسی تحت عنوان "فلسفه" به آن‌ها بیاموزیم. هدف تعلیم و تربیت یادگیری و مقصد نهایی آن، پرورش قوه‌ی استدلال و رشد قوه‌ی قضاوت است طوری که اولویت برنامه‌های آموزشی دانشگاه فرهنگیان، آموزش مهارت‌های تفکر است و تفکر یکی از در دسترس‌ترین راه‌ها برای افزایش توانمندی‌های ذهنی و پرورش نیروهای فوق‌العاده مغزی است، که به حل مسئله‌ای منجر شود. کندی (۱۹۹۹) اظهار می‌دارد: "طبق نظریه لپمن مهم‌ترین هدف در فلسفه ایجاد آزادی فردی در تصمیم‌گیری است" (ون سی لگهم^۱، ۲۰۰۶، به نقل از اکبری، ۱۳۹۳: ۲۴).

یکی از زیرساخت‌های توسعه انسانی و فراگیر، رشد مهارت‌های فکری است، که از مؤلفه‌های تأثیرگذار در آموزش و پرورش، آموزش تفکر است. برنامه آموزش تفکر و پرورش اثرات آن می‌تواند میزان اثربخشی این روش را در کسب موفقیت‌های پیش رو روشن کند. از سوی دیگر آموزش مفاهیم دینی نیز مانند هر علم دیگری نیاز به شناسایی و به‌کارگیری اصول و روش‌های صحیح، کارآمد و مؤثر دارد. به همین دلیل متخصصان تعلیم و تربیت به‌جای انتقال مستقیم مفاهیم دینی، پرورش و تقویت روش‌ها و نگرش‌ها را توصیه می‌کنند همان‌گونه که به‌جای تولید حقایق علمی، فرآیند را مورد توجه قرار داده‌اند. آن‌ها معتقدند که فراگیران به‌جای کسب حقایق علمی باید به روش کسب حقایق علمی توجه کنند و به‌جای انباشت حقایق علمی در ذهن بیاموزند که چگونه شخصاً فکر کنند، تصمیم بگیرند و درباره امور مختلف قضاوت کنند. فراگیران در فرایند آموزش باید

^۱. Vansieleghem

بتوانند ادراک حسی، فهم نظریات مختلف و تفکر علمی و نقاد خود را تقویت کنند و رشد دهند. رسیدن به چنین اهدافی مستلزم فرصت‌های مطلوب یادگیری است (شعبانی، ۱۳۹۱:۱). بنابراین شناخت خصوصیات و توانایی‌های افراد در بهینه‌سازی آموزش: مفاهیم دینی امری مسلم است. از سوی دیگر کیفیت زندگی عبارت است از برداشت هر شخص از وضعیت سلامتی خود و میزان رضایت از این وضع سازمان بهداشت جهانی کیفیت زندگی را درک فرد از جایگاهش در زندگی در بافت سیستم فرهنگی و ارزش‌هایی که او در آن‌ها زندگی می‌کند می‌داند که در ارتباط با هدف‌ها، انتظارات، استانداردها و نگرانی‌های اوست. درباره تأثیر آموزش تفکر بر کیفیت زندگی تاکنون، تحقیقات و مطالعات زیادی انجام شده‌اند که همگی از مؤثر بودن این برنامه حکایت دارند.

دانیل و همکاران^۱ (۱۹۹۸) آشکار کردند که تفکر انتقادی از طریق (p4c) بالا می‌رود. این تحقیق نشان داد که یک برنامه آموزش ۹ هفته‌ای می‌تواند نتایج اثرگذاری نه فقط بر استدلال، بلکه بر خواندن کودکان داشته باشد. نتایج این مطالعه، معنی‌داری سطح بالایی را در دو سال و نیم بعد نشان داد.

طباطبایی و موسوی (۱۳۹۰) در پژوهشی نشان دادند که اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان با روش حلقه کندوکاو، می‌تواند بر پرورش توانایی پرسش‌گری و تفکر انتقادی در دانش آموزان دختر مؤثر واقع شود. لذا با توجه به اجرای برنامه‌ی آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی در فضاهای آموزشی و تأثیراتی که این آموزش می‌تواند بر پرورش مهارت‌های انسانی از قبیل: مهارت‌های پژوهشی، مهارت‌های استدلالی، مهارت‌های ترجمه‌ای و نیز پرورش نقاط قوت فراوان دیگر می‌تواند داشته باشد. مسئله اساسی در این تحقیق بررسی تأثیر آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر کیفیت زندگی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان مرکز دانشور نیشابور است. در حال حاضر به نظرمی رسد، تمایل به آموزش تفکر در مدارس عمومیت بیشتری پیدا کرده است. اگرچه یک تهدید جدی برای تعمیق و کار بیشتر باقی است و آن، فقدان روش‌های کافی برای پرورش معلمان مبتدی و در حین خدمت است. که بتوانند سطوح عالی‌تر تفکر را کسب نمایند. زیرا شرط ضروری برای پرورش تفکر دانش آموزان، آگاهی و مهارت معلمان در ارتباط با توانایی‌های شناختی سطح بالا است (زهاری، ۲، ۱۹۹۹:۴۱۳).

^۱. Daniel,etal

^۲. Zohar

با توجه به اهمیت پرورش تفکر و قضاوت اخلاقی و مفاهیم دینی در دنیای معاصر و جایگاه آن در زندگی آحاد جامعه و از سویی نقش معلمان در پرورش تفکر و قضاوت اخلاقی دانش آموزان که جامعه فردای ما را تشکیل می‌دهند، در این پژوهش سؤال اساسی عبارت خواهد بود از اینکه: آیا آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر کیفیت زندگی دانشجویان مرکز آموزش عالی دانشور نیشابور مؤثر است؟

بسیاری «متیو لیمپن»^۱ را بنیانگذار فلسفه برای کودک می‌دانند. این استاد فلسفه دانشگاه کلمبیا در مورد تأسیس این رشته می‌گوید: "در سال ۱۹۶۰ در دانشگاه کلمبیا فکر می‌کردم دانشجویانم فاقد قدرت استدلال، قدرت تمیز و داوری هستند. اما برای تقویت فراوان قدرت تفکر آن‌ها، دیگر بسیار دیر شده بود. به این نتیجه رسیدم که این کار باید در دوران کودکی انجام می‌گرفت. باید وقتی کودکان در ۱۱ یا ۱۲ سالگی بودند، یکسری دوره‌های درسی در خصوص تفکر انتقادی را می‌گذراندند. اما برای تهیه‌ی موضوعی قابل فهم و مخاطب پسند، متن درسی باید به شکل داستان نوشته می‌شد. داستانی درباره‌ی کودکانی که در پی اکتشاف منطقی‌اند. ولی به نظر می‌رسید که این کار نیز باید با دقت و ظرافت بسیار انجام می‌گرفت". بسیاری از بخش‌های علم حضوری انسان حاصل تفکر اوست. لذا اصلی‌ترین مجرای شناخت انسان‌ها با تفکر فعال می‌شود. این موضوع بسیار مهم است. ما دریافتیم که بسیاری از دیدگاه‌ها در حوزه‌ی تفکر، دارای نقاط مشترک است. مثلاً در به‌کارگیری توان ادراکی انسان حرفی نیست، ولی یک بخشی هست که فقط در سیستم قرآن کریم وجود دارد و آن «معیارداشتن» و درواقع «ارتباط با حق» است. پرداختن به این موضوع، تفکر قرآنی را از بقیه ممتاز می‌کند. در غرب کلاً تفکر را تبدیل به ابزار کرده‌اند، ولی «تفکر در قرآن» ابزار نیست؛ روش و سبک زندگی است. جامعه‌ی اسلامی اگر بخواهد کودکان خود را تربیت کند، نباید تفکر را به‌مثابه یک ابزار، بلکه باید آن را به‌عنوان سبک زندگی در اختیار آنان قرار دهد. در تفکر قرآنی صرف کنش و واکنش یک گزاره با گزاره‌ی دیگر، یا یک تصور با تصور یا تصدیق دیگر مطرح نیست، بلکه باید عنصر حق در آن جاری شود -مانند جاری شدن روح در پیکر- تا بتوان گفت این تفکر است. به خاطر همین موضوع، چیزی که حالا در انواع تفکر خلاق و نقاد یا سیستمی وارد فضای کودکان می‌شود، یک انحراف اساسی دارد و آن این است که حق در آن وجود ندارد. تفکر اکنون بیشتر علم و دانش

^۱. Limpen

ریاضی مدرن است برای این که انسان بهتر زندگی کند، ولی این زندگی بهتر الهی نیست؛ حیوانی است!

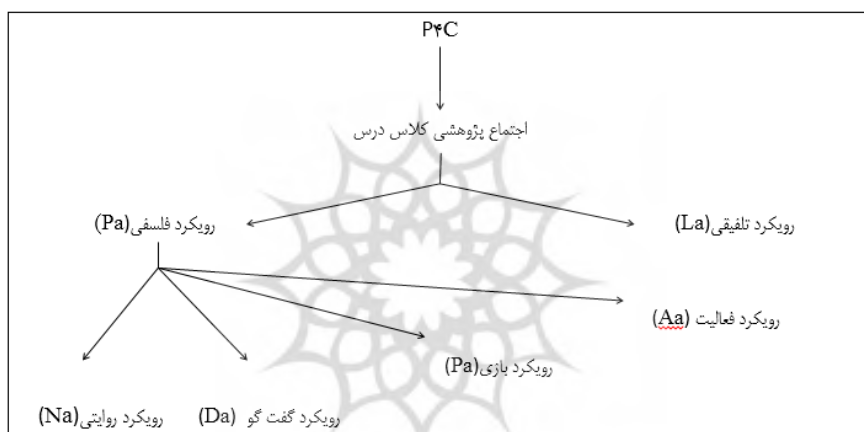
امروزه در بیش از پنجاه کشور طرح آموزش تفکر (فلسفه برای کودکان) برای کودکان اجرا می‌شود؛ معلمان برای شرکت در این طرح دوره می‌بینند و مؤسسات و سازمان‌های متعددی در این رابطه شکل گرفته است. با توجه به اهداف فوق، برای معلمان و نهادهای آموزشی متون مناسبی جهت توجیه طرح آموزش فلسفه برای کودکان تدوین شده است و همچنین متون آموزشی مناسبی برای کودکان تدوین گردیده است و حتی برای ایجاد روحیه بحث نقاد و اندیشه خلاق و تأمین زمینه‌های گفتگوی جمعی به کلاس‌های درس اکتفا نمی‌شود و از امکانات دیگری همچون شبکه‌های اطلاعاتی و اینترنتی نیز استفاده می‌شود. برنامه فلسفه برای کودکان منابع محتوایی به همراه راهنماهای تعلیماتی فراهم نموده است. که این برنامه می‌تواند زمینه تفکر را در کودکان توسعه دهد (فیشر^۱ به نقل از اکبری، ۱۳۹۳). تربیت فلسفی تقریباً از سه دهه قبل در قالب‌های فلسفه برای کودکان (P4c)، فلسفه با کودکان (PWC)، فلسفه و کودک (PAC) و غیره در حوزه تعلیم و تربیت مطرح شده است. رمان‌های فلسفی لیپمن که برای کودکان ۵ تا ۱۶ سال را در ۱۲ پایه طراحی شده است که در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: برنامه فلسفه برای کودکان (فیشر، به نقل از اکبری، ۱۳۸۵: ۶۲)

برنامه‌ی فلسفه برای کودکان (IAPC)					
سن	سال	رمان	راهنمای تعلیماتی	حیطه فلسفی	حیطه تربیتی
۷ تا ۵	۲ تا	الفی	فکرهایمان را روی هم بریزیم	استدلال و تفکر	بررسی تجربه
۸ تا ۷	۲-۳	کیو و گس	کنجکاوی درباره‌ی دنیا	فلسفه طبیعت	تعلیم و تربیت محیطی
۸ تا ۹	۳-۴	پیکسی	جستجوی معنا	فلسفه زبان	زبان و هنرها
۱۰ تا ۱۱	۵-۶	هری	پژوهش فلسفی	شناخت و منطق	مهارت‌های فکری
۱۲ تا ۱۳	۷-۸	لیزا	پژوهش اخلاقی	فلسفه ارزش	تعلیم و تربیت اخلاقی
۱۴ تا ۱۵	۹-۱۰	سوکى	نویسنده‌ی: چرا و چگونه	فلسفه هنر	نویسنده‌ی و ادبیات
۱۶ به بالا	۱۱-۱۲	مارک	پژوهش اجتماعی	فلسفه اجتماعی	مطالعات اجتماعی

1. Fisher

دو رویکرد اساسی در آموزش فلسفه به کودکان که حالت عمومی‌تر دارد و برنامه‌ی درسی را ساختاری بندی می‌کنند عبارت‌اند از رویکرد تلفیقی^۱ و رویکرد فلسفی^۲. منظور از رویکرد تلفیقی درهم تنیدن انواع حالت‌های ذهنی و فلسفی مهارت‌های شناختی، منابع رشته‌های درسی و روش‌شناسی آن‌ها در یک اجتماع پژوهشی کلاس درس^۳ است. رویکرد فلسفی نیز به روش فلسفیدن و پرورش قوه‌ی استدلال اشاره دارد که هم زیربنای برنامه درسی است و هم همانند چتری کلیه‌ی فعالیت‌ها را هدایت می‌کند. و رویکرد فلسفی از چند رویکرد دیگر تشکیل شده است که عبارت‌اند از رویکرد روایتی یا داستانی^۴، رویکرد بحث و گفتگو^۵، رویکرد بازی^۶ و رویکرد فعال^۷. شکل ۱ ارتباط این رویکردها را نشان می‌دهد (قائدی، ۱۳۸۸: ۱۰۵).



شکل ۱: رویکردهای حاکم بر فلسفه کودکان

ارتباط رویکردهای حاکم بر برنامه‌ی درسی فلسفه برای کودکان (قائدی، ۱۳۸۸: ۱۰۵)

از نظر صاحب‌نظران حوزه‌ی تربیت دینی بهترین رویکرد تربیت و راه‌های رسیدن به اهداف تربیت دینی را رویکردهای عقلانی می‌دانند. در اهمیت تربیت عقلانی، مطهری (۱۳۶۸) ضمن مردود شمردن تربیت دینی بر محفوظات هدف تعلیم تربیت باید پرورش نیروی فکر، ایجاد استقلال فکری،

۱. Integrated approach

۲. Philosophical approach

۳. Community of inquiry classroom

۴. Narrative approach

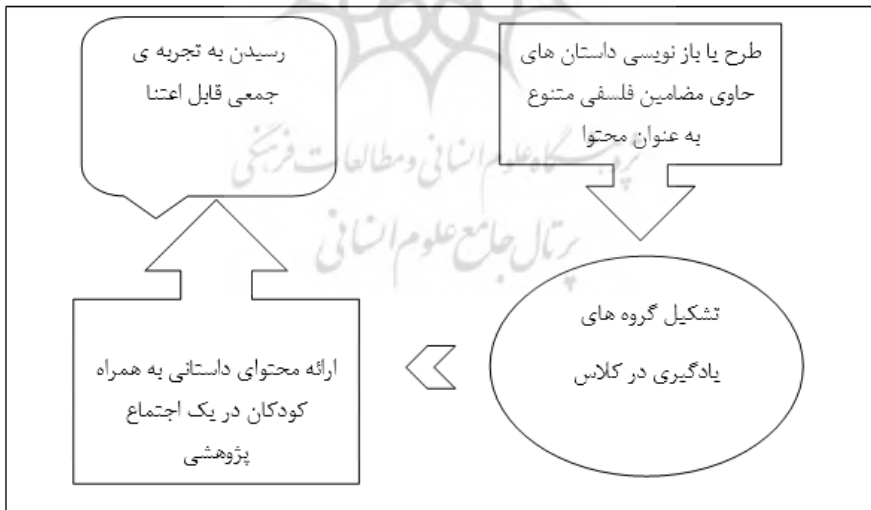
۵. Dialogues approach

۶. Play approach

۷. Activity approach

تقویت ابتکار فرد، تقویت تجزیه و تحلیل و یا احیای آن باشد. مطهری ضمن تأکید بر تربیت، دوران کودکی را پایه و اساس آن می‌داند. برخی فیلسوفان مسلمان رویکرد تربیت عقلانی را به چند شکل نشان می‌دهند از جمله:

تأکید بر روش فلسفیدن: روش کار آن‌ها شبیه روش برنامه فلسفه برای کودکان است. ساده‌سازی فلسفه: برخی از آثار فلسفی توسط فیلسوفان به زبانی ساده و قابل فهم عامه نوشته شده تا همه بتوانند فلسفه را یاد بگیرند. استفاده از زبان داستانی: داستان‌های مولانا جزو آثار ادبی و عرفانی است اما غالب داستان‌های مثنوی به مشکلات کلامی روزمره توجه می‌کند. مانند مسائل جبر و اختیار و شناخت از جمله دغدغه‌های فلسفی مثنوی است (اکبری، ۱۳۹۳: ۱۲۵-۱۲۷). داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی مضامین مهم در طول تاریخ فلسفه را در خود جای داده‌اند و به سبب غنای ادبی بالا برای استفاده کودکان و ایجاد علاقه در آن‌ها مناسب است و همچنین داستان‌های مذکور مشکل فرهنگ وابستگی مانند داستان‌های لیپمن را نخواهند داشت. لذا اگر این داستان‌ها به گونه‌ای بازنویسی شوند که بتوان از آن‌ها در اجتماع پژوهشی استفاده کرد، امکان دستیابی به جنبه‌های بیشتری از واقعیت‌های فلسفه برای کودکان فراهم می‌شود. که نحوه‌ی استفاده از این داستان‌ها در شکل ۲ آمده است (اکبری، ۱۳۹۳: ۲۰۴).



شکل ۲: نحوه‌ی استفاده از داستان‌های متون کلاسیک ادب فارسی (اکبری، ۱۳۹۳: ۲۰۴)

همانطور که در شکل ۲ نشان داده شده است، چنانچه محتوای داستان‌های ادب فارسی با حکایاتی مانند خیاط و کوزه، طوطی و بازرگان، عشق مورچه، طاووس و زاغ، بقال و طوطی و تعطیلی مکتبخانه که سرشار از مضامین فلسفی هستند در متونی مانند شاهنامه، مثنوی، کلیله و دمنه، الهی‌نامه، گلستان و بوستان و... به دست آمده‌اند، بازنویسی شوند تأثیر زیادی در فلسفیدن کودکان دارند. اکنون به برخی از تحقیقات داخلی و خارجی در این زمینه اشاره می‌شود:

مرعشی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر اجرای برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان به روش اجتماع پژوهشی بر رشد قضاوت اخلاقی دانش آموزان پایه پنجم شهر اهواز به این نتیجه رسید که اجرای آموزش فلسفه به کودکان به روش اجتماع پژوهشی: الف- بر رشد قضاوت اخلاقی دانش آموزان پنجم تأثیر مثبتی داشته است. ب- بر رشد قضاوت اخلاقی هر دو جنس دختر و پسر تأثیری یکسان داشته و تفاوت معنی‌داری بین آن‌ها مشاهده نشده است. وی معتقد است که اجرای برنامه‌ی فلسفه برای کودکان، غیر از تقویت توانائی‌های تفکر و ارتقای بینش کودکان، نتایج جانبی دیگری نیز به دست خواهد آمد که از بهترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- رشد اعتماد به نفس و خودباوری در کودکان.
- ایجاد روحیه‌ی تعاون و همکاری در آن‌ها.
- ایجاد علاقه‌مندی به ارتباط کلامی و غیر کلامی با همسالان.

فرزانفر (۱۳۸۹) در رساله دکتری خود تحت عنوان بررسی فلسفه دوران کودکی و نقش قصه و داستان در رشد و پرورش روحیه فلسفی در کودکان " به بررسی رویکردهای تعلیم و تربیتی کودک محور و نقش قصه (برخی داستان‌های ایرانی و غیر ایرانی) در پرورش روحیه فلسفی کودکان پرداخت. شیرینی (۱۳۹۰) در تحقیق بررسی اثربخشی آموزش تفکر مثبت بر کیفیت زندگی زنان در شهرستان قشم انجام گرفت نتایج نشان داد که آموزش تفکر مثبت باعث بهبود کیفیت زندگی زنان شد. به‌ویژه در مؤلفه‌های عملکرد جسمانی، خستگی یا نشاط، سلامت عاطفی، عملکرد اجتماعی تأثیرات معنی‌داری مشاهده شد. اما در زیر مقیاس محدودیت ناشی از عملکرد جسمانی و محدودیت ایفای نقش هیجانی، درد و سلامت عمومی تأثیر معنی‌داری مشاهده نشد.

سپهوند و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان " بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر کیفیت زندگی پرستاران بیمارستان‌های خرم‌آباد " انجام دادند، یافته‌ها نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی باعث بهبود معنی‌داری در ابعاد عملکرد جسمی، درد بدنی، سلامت عمومی، نشاط

و سرزندگی، عملکرد اجتماعی، سلامت روانی، سلامت جسمی و در کل افزایش کیفیت زندگی پرستاران تفاوتی معنی‌داری بین دو گروه ($p=0/119$) و نقش جسمی ($p=0/666$) می‌شود. بیجوندی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه مهارت تفکر انتقادی با کیفیت زندگی دانشجویان پزشکی انجام داد. نتایج حاصل از انجام پژوهش نشان داد که: بررسی رابطه بین مهارت تفکر انتقادی با سلامت روان، مبین ارتباط مثبت و معنادار بعد ارزیابی مدارک و شواهد از تفکر انتقادی ($P<0/05$) و تفسیر و ارتباط منفی و معنادار بین بعد استنتاج ($P<0/05$) با سلامت روانی می‌باشد به‌علاوه بین بعد استنتاج از تفکر ($P<0/05$) از تفکر انتقادی با سلامت روانی و ($P<0/01$) انتقادی با مقبولیت اجتماعی، رابطه‌ی منفی و معنادار وجود داشته است.

دانیل و همکاران^۱ (۱۹۹۸) آشکار کردند که تفکر انتقادی از طریق p4c بالا می‌رود. این تحقیق نشان داد که یک برنامه آموزش ۹ هفته‌ای می‌تواند نتایج اثرگذاری نه‌فقط بر استدلال، بلکه بر خواندن کودکان داشته باشد. نتایج این مطالعه، معنی‌داری سطح بالایی را در دو سال و نیم بعد نشان داد.

گریگوری^۲ (۲۰۰۴) تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که علی‌رغم ناباوری آموزگاران، کودکان در سنین پایین آمادگی زیادی برای شرکت در بحث‌ها دارند. و حلقه کندوکاو فضایی را فراهم می‌آورد که کودکان در آن مسئول توضیح و دفاع از عقایدشان با دلایل منطقی می‌باشند و به‌وسیله دیگران این عقاید پخته‌تر می‌شود، و آن‌ها می‌توانند قضاوتی کنند که برایشان معنادار است.

دنیل (۲۰۰۶) به بررسی نگرش مشارکتی دانشجویان در آموزش و پیشرفت تفکر انتقادی و نقش متغیرهای دیگر پرداخته‌اند. نگرش مشارکتی بر گوش دادن به دیگران با فکر باز تأکید داد و فقط بعد از بازتاب اندیشه در مورد رویکردهای مختلفی که به چالش کشیده می‌شوند. نتایج قابل‌توجهی به دست می‌آید. نتایج نشان داد که چنانچه آزادی آموزشی در کلاس درس برای دانشجویان تضمین شود و دانشجویان فرصتی برای فکر کردن داشته باشند، در پیشرفت مهارت‌های تفکر انتقادی آن‌ها تأثیر فراوان دارد و نقش استاد در ایجاد فضایی که دانشجویان در آن با آرامش نظرات و دیدگاه‌های خود را به‌راحتی عنوان کنند بسیار اساسی است. دانشجویان با شرکت در این کلاس‌های طراحی‌شده به میزان زیادی مهارت‌های تفکر انتقادی آن‌ها افزایش یافته است. کوین و گری^۳ (۲۰۰۹) به مطالعه خودشناسی دانشجویان به‌عنوان متفکر انتقادی پرداخته‌اند و تأثیر نگرش‌ها و قدرت و توانایی نگرش و

1. Daniel,etal

2. Gregory

3. Kevin & Gary

اعتقادات هنجاری را به تفکر انتقادی مورد بررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش فرض بر این است که قدرت و توانایی نگرش، تأثیر نگرش‌ها را به اعتقادات هنجاری به صورت متعادل درمی‌آورد و به‌جای آن، اعتقادات هنجاری، تأثیر تعامل میان نگرش و قدرت نگرش را به خودشناسی دانشجو به‌عنوان متفکر انتقادی به حالت تعدیل درمی‌آورد. نتایج نشان می‌دهد که دانشجویان که دارای نگرش‌های مثبت و قوی نسبت به تفکر انتقادی می‌باشند، اعتقادات هنجاری قوی دارند که همراه با مهارت می‌باشد و در عوض، این اعتماد به خودشناسی خود به عنوان متفکر انتقادی تأثیر می‌گذارد. نتیجه‌های به‌دست‌آمده بر اساس مشارکت دانشجویان در کلاس‌ها جهت یافته از این فرضیه حمایت می‌کند.

روش شناسی

هدف از پژوهش حاضر آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر کیفیت زندگی دانشجو معلمان است. این پژوهش با روش آزمایشی از نوع نیمه تجربی، مداخله‌ای و اثربخشی می‌باشد که با استفاده از طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون پیگیر و گروه آزمایش و کنترل انجام شد. که پژوهش برای پاسخ به سؤالات زیر طراحی گردید:

سؤال اصلی: آیا آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر کیفیت زندگی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان دانشور نیشابور تأثیر دارد.

سؤالات فرعی:

۱. آیا آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر سلامت جسمی دانشجو معلمان تأثیر دارد؟
 ۲. آیا آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر سلامت روان دانشجو معلمان تأثیر دارد؟
 ۳. آیا آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر روابط اجتماعی دانشجو معلمان تأثیر دارد؟
 ۴. آیا آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر سلامت محیط اطراف دانشجو معلمان تأثیر دارد؟
- روش تحقیق نیمه تجربی روشی است که محقق توانایی کنترل کامل همه شرایط و جوانب را ندارد، ولی می‌تواند عوامل زیر را کنترل کند: الف) مشاهده یا اندازه‌گیری چه هنگام صورت می‌گیرد. ب) متغیر مستقل در چه زمانی اجرا شود و کدام گروه به‌عنوان گروه آزمایش به کار گرفته می‌شود. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان مرکز آموزش عالی دانشور نیشابور در سال تحصیلی ۹۴/۹۵ به تعداد ۳۱۳ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای می‌باشد. که طی آن افراد جامعه با توجه به سلسله مراتبی (از واحدهای بزرگ‌تر به واحدهای کوچک‌تر) از انواع واحدهای جامعه انتخاب می‌شوند (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۰، ۳۷). که به‌جای فرد ابتدا

گروه‌های درسی و سپس دانشجویان انتخاب می‌شوند. ابتدا از بین ورودی‌های مختلف دانشجویان ورودی‌های ۹۱ و در مرحله‌ی بعدی از بین گروه‌های تحصیلی گروه علوم تربیتی انتخاب شدند و در مرحله سوم از بین دانشجویان فوق که در قالب ۱۰ کلاس درسی سازمان‌دهی شده‌اند به شیوه تصادفی ۲ کلاس انتخاب شدند که نمونه آماری فوق شامل ۶۰ نفر از دانشجویان می‌باشد. که به دو گروه ۳۰ نفری آزمایش و کنترل تقسیم شدند. گروه آزمایش به مدت ۱۰ هفته داستان‌های دینی را مطالعه کردند و گروه کنترل فعالیت انجام ندادند و سپس هر دو گروه به پرسشنامه‌ی کیفیت زندگی پاسخ دادند.

متغیرها بر اساس نقش آن‌ها در تحقیق عبارت‌اند از:

- ۱- متغیر مستقل: در این پژوهش آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی و جنسیت، تحصیلات، سن، رشته تحصیلی و تأهل متغیرهای مستقل هستند.
- ۲- متغیر وابسته: کیفیت زندگی، یکپارچگی و انسجام اجتماعی، محیط کار بهداشتی و ایمن، تأمین فرصت رشد، امنیت مداوم، قانون‌گرایی در محیط کار، فضای کلی زندگی کاری، وابستگی اجتماعی زندگی کاری و توسعه قابلیت‌های انسانی در این پژوهش متغیرهای وابسته هستند.

در این پژوهش از پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی که (WHOQOL-BREF) یک پرسشنامه ۲۶ سؤالی است که کیفیت زندگی کلی و عمومی فرد را می‌سنجد، استفاده شده است. برای بررسی روایی و پایایی این پرسشنامه پژوهشی بر روی ۱۱۶۷ نفر از مردم تهران انجام گرفت. شرکت‌کنندگان به دو گروه دارای بیماری مزمن و غیر مزمن تقسیم شدند. (بر اساس آزمایش‌ها انجام‌شده و تشخیص پزشکان) پایایی آزمون باز آزمون برای زیر مقیاس‌ها به این صورت به دست آمد: سلامت جسمی ۰/۷۷، سلامت روانی ۰/۷۷، روابط اجتماعی ۰/۷۵، سلامت محیط ۰/۸۴ به دست آمد. سازگاری درونی نیز با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد که در جدول زیر آمده است (نجات و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۰).

برای سنجش اعتبار پرسشنامه مجدداً پرسشنامه بین ۱۰ تن از دانشجویان دانشگاه فرهنگیان توزیع شد سپس داده‌های به‌دست‌آمده از اجرای آزمایشی^۱ با استفاده از روش آلفای کرونباخ^۲ طبق فرمول زیر تحلیل شد:

$$r_o = \frac{j}{j-1} \left[1 - \frac{\sum jS^2}{S^2} \right]$$

که در آن:

j = تعداد زیرمجموعه سؤال‌های پرسشنامه یا آزمون

js^2 = واریانس زیر آزمون j ام.

S^2 = واریانس کل آزمون می‌باشد (سرمد، بازرگان، حجازی، ۱۳۸۰؛ ص ۱۶۹). نتایج تحلیل بر اساس فرمول زیر به دست آمد.

$$r_o = \frac{j}{j-1} \left[1 - \frac{\sum js^2}{S^2} \right] = \frac{3}{2} \left[1 - \frac{238}{359} \right] = 0/95$$

جهت سنجش روایی پرسشنامه پژوهش از روایی وابسته به سازه^۳ استفاده به عمل آمد. همان‌طور که گفته شد پرسشنامه بر اساس تئوری‌ها و مفاهیم مربوط به عملکرد و سبک رهبری تحول‌آفرین تهیه و سپس در اختیار ۵ تن از اساتید گروه علوم تربیتی قرار گرفت و نظرات آن‌ها در خصوص سؤالات پرسشنامه اعمال گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

۱. Pilot Study

۲. Cronbach's Alpha

۳. Construct validity

یافته‌ها

توصیف نمرات کیفیت زندگی و سلامت عمومی آزمودنی‌ها برحسب مرحله و عضویت گروهی در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی نمرات کیفیت زندگی و خرده مؤلفه‌های آزمودنی‌ها برحسب مرحله و عضویت گروهی

پس‌آزمون		پیش‌آزمون		مرحله	عضویت گروهی
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین		
۱/۴۰	۸/۱۷	۱/۲۴	۷/۹۰	کیفیت زندگی	گروه کنترل
۳/۷۷	۲۶/۱۷	۳/۷۰	۲۶/۱۳	سلامت جسمی	
۲/۸۶	۲۱/۲۶	۳/۱۳	۲۰/۷۳	سلامت روان	
۲/۴۴	۹/۴۷	۲/۰۶	۹/۷۳	روابط اجتماعی	
۴/۳۵	۳۷/۳۰	۳/۹۱	۲۶/۱۳	سلامت محیط	
۰/۹۵	۸/۷۰	۰/۹۲	۸/۲۲	کیفیت زندگی	گروه آزمایش
۲/۸۴	۲۸/۴۳	۳/۴۱	۲۸/۳۰	سلامت جسمی	
۲/۷۱	۲۳/۴۶	۳/۲۱	۲۲/۳۴	سلامت روان	
۲/۱۹	۱۰/۲۳	۲/۲۹	۱۰/۶۰	روابط اجتماعی	
۴/۴۳	۲۹/۶۰	۴/۵۷	۲۸/۸۲	سلامت محیط	

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود میانگین نمره برای کل مقیاس کیفیت زندگی برای گروه آزمایش در مرحله پیش‌آزمون به ترتیب برابر ۸/۲۲ و در پس‌آزمون ۸/۷۰ می‌باشد. که تأثیر آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی را نشان می‌دهند. همچنین، این میانگین‌ها برای گروه کنترل در پیش‌آزمون ۷/۹۰ و در پس‌آزمون ۸/۱۷ بود. که ممکن است اثر پیش‌آزمون باشد.

سؤال اصلی تحقیق: آیا آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر کیفیت زندگی دانشجو

معلمان دانشگاه فرهنگیان دانشجو نیشابور تأثیر دارد؟ برای بررسی این سؤال پژوهش و بررسی تفاوت میانگین گروه‌های آزمایش و کنترل از لحاظ متغیر کیفیت زندگی از آزمون تحلیل کوواریانس یک متغیری^۱ استفاده گردید. جدول ۳ نتایج این آزمون را نشان می‌دهد.

^۱. ANCOVA

جدول ۳: نتایج تحلیل کوواریانس یک متغیری نمرات پس‌آزمون کیفیت زندگی گروه‌های آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری	اندازه اثر (%)
پیش‌آزمون کیفیت زندگی	۰/۹۱۹	۱	۰/۹۱۹	۰/۶۶۲	۰/۴۲	۰/۰۱۳
عضویت گروهی	۳/۴۱	۱	۳/۴۱	۲/۴۵	۰/۱۲۳	۰/۰۴۸

همان‌طوری که در جدول ۳ مشاهده شد نتایج آزمون تحلیل کوواریانس نشان داد که بین کیفیت زندگی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان گروه‌های آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($F = ۲/۴۵$ $p > ۰/۰۵$).

سؤالات فرعی: ۱- آیا آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر سلامت جسمی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان دانشور نیشابور تأثیر دارد؟

جدول ۴: نتایج تحلیل کوواریانس یک متغیری نمرات پس‌آزمون سلامت جسمی گروه‌های آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری	اندازه اثر (%)
پیش‌آزمون سلامت جسمانی	۲/۲۰	۱	۲/۲۰	۰/۲۰۱	۰/۶۵۶	۰/۰۰۴
عضویت گروهی	۵۴/۱۷	۱	۵۴/۱۷	۴/۹۵	۰/۰۳۱	۰/۰۹

همان‌طوری که در جدول ۴ مشاهده می‌شود نتایج آزمون تحلیل کوواریانس نشان داد که بین سلامت جسمی دانشجو معلمان گروه‌های آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($p < ۰/۰۵$) و مقدار ضریب اتا یا تفاوت برابر با $۰/۰۳۱$ است یعنی $۰/۰۳۱$ واریانس نمرات مربوط به عضویت گروهی می‌شود. برای مقایسه و بررسی تفاوت‌های معنی‌دار مذکور، میانگین‌های تعدیل‌شده سلامت جسمی دانشجو معلمان گروه‌های آزمایش و کنترل در قالب جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵: میانگین‌های تعدیل‌شده سلامت جسمی گروه‌های آزمایش و کنترل

پس‌آزمون		عضویت گروهی
خطای استاندارد	میانگین	
۰/۶۱۶	۲۸/۳۷	گروه آزمایش
۰/۷۰۷	۲۶/۲۴	گروه کنترل

همانطور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود با حذف اثر متغیرهای کنترل، میانگین تعدیل‌شده نمرات سلامت جسمی آزمودنی‌های گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون نسبت به گروه کنترل بیشتر می‌باشد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر سلامت جسمی دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان دانشور نیشابور تأثیر دارد.

۱- آیا آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر سلامت روان دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان دانشور نیشابور تأثیر دارد؟

جدول ۶: نتایج تحلیل کوواریانس یک متغیری نمرات پس‌آزمون سلامت روان گروه‌های آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری	اندازه اثر (%)
پیش‌آزمون سلامت روان	۳/۳۳	۱	۳/۳۳	۰/۴۲۷	۰/۵۱۷	۰/۰۰۸
عضویت گروهی	۵۲/۶۱	۱	۵۲/۶۱	۶/۷۳	۰/۰۱۲	۰/۱۱۹

همان‌طوری که در جدول ۶ مشاهده می‌شود نتایج آزمون تحلیل کوواریانس نشان داد که بین سلامت روان دانشجو معلمان گروه‌های آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($p < 0/05$) و مقدار ضریب اتا یا تفاوت برابر با $0/12$ است یعنی $0/12$ واریانس نمرات مربوط به عضویت گروهی می‌شود. برای مقایسه و بررسی تفاوت‌های معنی‌دار مذکور، میانگین‌های تعدیل‌شده سلامت روان دانشجو معلمان گروه‌های آزمایش و کنترل در قالب جدول ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷: میانگین‌های تعدیل‌شده سلامت روان گروه‌های آزمایش و کنترل

پس‌آزمون		عضویت گروهی
خطای استاندارد	میانگین	
۰/۵۹۴	۲۳/۴۱	گروه آزمایش
۰/۵۱۸	۲۱/۳۳	گروه کنترل

همانطور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود با حذف اثر متغیرهای کنترل، میانگین تعدیل‌شده نمرات سلامت روان آزمودنی‌های گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون نسبت به گروه کنترل بیشتر می‌باشد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر سلامت روان دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان دانشور نیشابور تأثیر دارد.

۲- آیا آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر روابط اجتماعی دانشجویان معلمان دانشگاه فرهنگیان دانشور نیشابور تأثیر دارد؟

جدول ۸: نتایج تحلیل کوواریانس یک متغیری نمرات پس‌آزمون روابط اجتماعی گروه‌های آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری	اندازه اثر (%)
پیش‌آزمون روابط اجتماعی	۳/۵۵	۱	۳/۵۵	۰/۶۶۴	۰/۴۱۹	۰/۰۱۳
عضویت گروهی	۹/۲۸	۱	۹/۲۸	۱/۷۳	۰/۱۹۴	۰/۰۳۴

همان‌طوری که در جدول ۸ مشاهده می‌شود نتایج آزمون تحلیل کوواریانس نشان داد که بین روابط اجتماعی دانشجویان معلمان گروه‌های آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($p > ۰/۰۵$) و $(F = ۱/۷۳)$.

۳- آیا آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر سلامت محیط دانشجویان معلمان دانشگاه فرهنگیان دانشور نیشابور تأثیر دارد؟

جدول ۹: نتایج تحلیل کوواریانس یک متغیری نمرات پس‌آزمون سلامت محیط گروه‌های آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری	اندازه اثر (%)
پیش‌آزمون سلامت محیط	۴/۵۰	۱	۴/۵۰	۰/۲۲۹	۰/۶۳۴	۰/۰۰۵
عضویت گروهی	۷۲/۸۳	۱	۷۲/۸۳	۳/۷۱	۰/۰۶	۰/۰۶۹

همان‌طوری که در جدول ۹ مشاهده می‌شود نتایج آزمون تحلیل کوواریانس نشان داد که بین سلامت محیط دانشجویان معلمان گروه‌های آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($p > ۰/۰۵$) و $(F = ۳/۷۱)$.

بحث و نتیجه‌گیری

بر مبنای چارچوب نظری پژوهش و به سبب اهمیت داستان در ایجاد تحول شناختی در انسان‌ها که رسالت انبیا و کتب مقدس نیز به کمک داستان‌های عبرت‌آموز استوار است، بررسی تأثیر آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر کیفیت زندگی دانشجویان معلمان و مؤلفه‌های اساسی کیفیت زندگی نشان داد:

۱. با توجه به اینکه آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر کیفیت زندگی دانشجو معلمان تفاوت معنی‌دار نداشته می‌توان به رویکردهای طولانی مدت و داستان‌های هدفمند برای این مهم نظر داشت، چراکه مولفه کیفیت زندگی مستلزم دستیابی به شناخت‌های درخور، تفکر و تامل و تمرین و تکرار در وجوه مثبت است که مداخله‌ای طولانی‌تر و اختصاصی‌تر را می‌طلبد.

۲. با توجه به اینکه نمرات مؤلفه سلامت جسمی آزمودنی‌های گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون نسبت به گروه کنترل بیشتر می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر سلامت جسمی دانشجو معلمان معنی‌دار می‌باشد یعنی آموزش تفکر بر کیفیت زندگی دانشجو معلمان از لحاظ سلامت جسمی تأثیر مطلوبی دارد به دریافت فرد از توانایی هایش در انجام فعالیت‌های روزانه که نیاز به مصرف انرژی دارد اشاره می‌کند که می‌تواند در بر گیرنده مقیاس‌هایی مانند تحرک، توان، انرژی، درد و ناراحتی، خواب و استراحت و ظرفیت توان کار باشد. که مطابق نتایج تحقیقات شیری (۱۳۹۰) و سپهوند (۱۳۹۱) می‌باشد.

۳. با توجه به نمرات مؤلفه سلامت روان آزمودنی‌های گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون که نسبت به گروه کنترل بیشتر می‌باشد، لذا می‌توان نتیجه گرفت که آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر سلامت روان دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان دانشور نیشابور معنی‌دار می‌باشد یعنی آموزش تفکر تأثیر مطلوبی بر کیفیت زندگی از بعد سلامت روان آنان دارد. که جنبه‌های روحی و احساسی سلامت مانند افسردگی، ترس، عصبانیت، خوشحالی و آرامش و بعضی از زیر رده‌های این بعد مانند تصویر از خود، احساس مثبت و منفی، اعتقادات مذهبی، فکر کردن و یادگیری، حافظه و تمرکز حواس را تحت تأثیر قرار داده است. که تحقیقات شیری (۱۳۹۰) و سپهوند (۱۳۹۱) نیز به چنین نتایجی دست یافتند.

۴. بین آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی و روابط اجتماعی دانشجو معلمان گروه‌های آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. کیفیت زندگی به انتظارات، احساسات، اعتقادات و پندارهای فرد بستگی دارد از این رو ارزیابی شخصی از سلامت یا خوب بودن و ناراحت بودن عامل کلیدی در مطالعات کیفیت زندگی می‌باشد. به طور کلی می‌توان گفت عامل اصلی تعیین‌کننده کیفیت زندگی عبارت است از تفاوت درک شده بین آنچه هست و آنچه باید باشد و بعد ذهنی کیفیت زندگی همان احساس خوب داشتن و رضایت فردی است که نداشتن رابطه بین آموزش تفکر و کیفیت زندگی ممکن است ناشی از این امر باشد.

۵. بین آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر سلامت محیط دانشجو معلمان گروه‌های آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌دار مشاهده نشد. با توجه به اینکه کیفیت زندگی دارای ساختاری وابسته به زمان است که متأثر از تجربه شخصی و درک او از زندگی می‌باشد و با تغییر زمان تغییر می‌کند درمی‌یابیم که پویایی زندگی از این روست که با زمان تغییر می‌کند و به تغییرات در محیط او بستگی دارد، که ممکن است عدم رابطه معنی‌دار ناشی از این مسئله باشد.

نتیجه‌گیری کلی پژوهش نشان می‌دهد که بین آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی بر کیفیت زندگی دانشجو معلمان رابطه مثبت و معناداری مشاهده نگردید. که البته در دو مؤلفه سلامت جسمی و سلامت روان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. ولی در دو مؤلفه دیگر یعنی روابط اجتماعی و سلامت محیط رابطه‌ی معنادار مشاهده نشد، و با توجه به رابطه‌ی معنادار مؤلفه‌های سلامت جسمی و سلامت روان، آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌های دینی می‌تواند در بهبود کیفیت زندگی دانشجو معلمان مؤثر باشد و آن را ارتقاء بخشد.

با توجه به نتایج و یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود:

۱. آموزش تفکر مبتنی بر داستان‌ها و عنصر گفتگو نقش مهمی در کیفیت زندگی افراد دارد و برای تکمیل دانش و تغییر نگرش‌ها، باورها، افکار و برداشتها و انتظارات آموزش تفکر فلسفی ضروری است.
۲. فراهم نمودن زمینه‌ی آموزش تفکر، روحیه گفتگو، استدلال ورزی، کاوشگری و توسعه توانایی‌های فردی و اجتماعی کودکان و دانشجویان.
۳. دانشگاه‌ها و مدارس باید تبدیل به یک حلقه کندوکاو شوند تا مهارت‌های پرسشگری و تفکر انتقادی را بیاموزند و آماده‌ی ایفای نقش در جامعه شوند.
۴. ایجاد فضای، باز و آزاد برای گفتگو و مباحثه در دانشگاه فرهنگیان.
۵. استفاده از بسته‌های آموزشی تفکر مثبت در خانواده‌ها و مراکز مشاوره.

کتابنامه

- اکبری، احمد (۱۳۹۳). آموزش تفکر به کودکان (نگاه انتگرال به P4c)، کاشمر: کشمر. صص. ۶۱-۶۲ و ۲۰۳-۲۰۴.
- بیجوندی، فرامرز؛ سبحانی نژاد، مهدی؛ نیک آذین، امیر و پوریا سراب، محمد (۱۳۹۲). بررسی رابطه مهارت تفکر انتقادی با کیفیت زندگی دانشجویان پزشکی.
- سپهوند، محمدجعفر (۱۳۹۲). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر کیفیت زندگی پرستاران بیمارستان خرم‌آباد. مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان، دوره ۲۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲، شماره مسلسل ۴۰، صص. ۳۲-۴۰.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۸۰). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگاه. صص. ۱۸۵ و ۱۱۷.
- شعبانی، حسن (۱۳۹۳). پرورش تفکر انتقادی با استفاده از شیوه آموزش مسئله محور. فصلنامه علمی پژوهشی مدرس، دوره چهارم، شماره اول، صص ۱۱۲-۱۲۲.
- شیری، زهرا (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش تفکر مثبت بر کیفیت زندگی زنان در شهرستان قشم. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- طباطبایی، زهرا و موسوی، مرضیه (۱۳۹۰). بررسی تأثیر فلسفه برای کودکان در پرسش‌گری و تفکر انتقادی دانش‌آموزان پایه‌های سوم تا پنجم ابتدایی دبستان علوی ورامین. دو فصلنامه تفکر و کودک، سال دوم، شماره ۱ تابستان، صص ۷۳-۹۰.
- فرزانهفر، جواد (۱۳۸۹). بررسی فلسفه دوران کودکی و نقش داستان در رشد و پرورش روحیه فلسفی در کودکان. رساله ی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت معلم تهران.
- قائدی، یحیی (۱۳۸۸). برنامه‌ی درسی آموزش فلسفه به کودکان در دوره‌ی راهنمایی و دبیرستان. فصلنامه فرهنگ، ویژه فلسفه برای کودکان و نوجوانان.
- مرعشی، منصور (۱۳۹۲). بررسی تأثیر روش اجتماعی پژوهشی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش مهارت‌های استدلال دانش‌آموزان پسرپایه سوم راهنمایی مدرسه نمونه دولتی اهواز. رساله دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهیدچمران اهواز.
- نجات و همکاران (۱۳۸۵). استاندارد سازی پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت: (WHOQOL-Bref) ترجمه و روان‌سنجی گونه ایرانی، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره ۴، شماره ۴، صص ۱۲ - ۸۵.

Deniel E.Lee(2006). Academic freedom critical thinking and theaching ethics. Jornal of Arts and Hamanities in thigher education, 5, 199-208.

Daniel M.F (1998). P4c in per service Teacher Education Analytic Teaching.

Gregory, M (2004).”Conflict, Inquiry and Education for Pace”.in S.N. Chattopadhyay (e.d), World Peace: Problems of Global Understanding and Prospects of Harmony, Calcutta, India: NAYA PROKASH's.

Kevin C and Gary B (2009) student self-identity as a critical thinking. Journal of Marketing Education, 31, 31-39.

Zohar, A.(1999).Teachers metacognitive knowledge and the instruction of higher order thinking.Teaching and Teacher Education,15,413-429.

